



افسانه‌های ازوپ و قابلیت‌های دراماتیک آن‌ها

(تحلیل، مقایسه با نمونه‌های ایرانی و معرفی درون‌مایه‌های دراماتیک)

به همراه سه نمایشنامه با درون‌مایه‌هایی برگرفته از آثار ازوپ

تألیف:

فیروزه اسدی‌یار

۱۳۹۱

سرشناسه :	اسدیار، فیروزه، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور :	افسانه‌های ازوپ و قابلیت‌های دراماتیک آن‌ها (تحلیل، مقایسه با نمونه‌های ایرانی و معرفی درون‌مایه‌های دراماتیک) ... / تألیف فیروزه اسدیار.
مشخصات نشر :	شیراز: کوشامهر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری :	۱۵۱ ص.
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۹۷۴-۱۱۶-۱
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	کتابنامه.
موضوع :	افسانه‌های ازوپ - نقد و تفسیر
موضوع :	افسانه‌ها و قصه‌های یونانی
رده بندی کنگره :	۱۳۹۱ الف ۷ الف ۵ / PA۳۸۵۸
رده بندی دیویی :	۳۹۸/۲۴۵۴
شماره کتابشناسی ملی :	۲۲۷۲۴۹۵
کد پیگیری :	۲۲۶۹۱۳۷

انتشارات کوشامهر

مرکز نشر و بخش کتابهای دانشگاهی

شیراز - بولوار کریم خان زند - روبروی خیام - پاساژ مسعود - پلاک ۳۳

تلفن: ۳۳۰۳۷۹۸ دورنگار: ۲۳۵۸۴۶۵

ناشر برگزیده سالهای ۷۴، ۷۶، ۷۹، ۸۱، ۸۰

خادم نشر سال ۷۷ و ۸۳



انتشارات کوشامهر

افسانه‌های ازوپ و قابلیت‌های دراماتیک آن‌ها

تألیف: فیروزه اسدیار

ویراستار و صفحه‌آرا: زینب دهقانی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه چاپ اول: ۱۳۹۱

ناشر: انتشارات کوشامهر

چاپخانه: واصف

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۴-۱۱۶-۱

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

تقدیم به کسی که محبت بی دریغ خود را همواره به من ارزانی داشت بدون توقع و چشم داشتی؛ کسی که بسیار زود پر کشید و شاهد به ثمر رسیدن عزیزانش نبود؛ او که تنها با خوشحالی و موفقیت فرزندانش شاد می شد...
مادر عزیزم! مطمئن هستم که خوشحالی...
به امید روزی که دوباره آغوش پناهم باشد!

یوسف کم کشته باز آید به کفان غم خور کلبی ازان شود روزی کفان غم خور

۱۳	مقدمه	
۱۵	زندگی نامه ازوپ	
	فصل اول: تقسیم‌بندی داستان‌های ازوپ بر اساس موضوع و مقایسه با نمونه‌های ایرانی	
۱۷	۱-۱- صبر	
۱۹	۱-۲- سرشت بد	
۲۱	۱-۳- تسلی دادن ناتوان به خود	
۲۱	۱-۴- دورویی	
۲۱	۱-۵- حد خود دانستن	
۲۳	۱-۶- لاف زن	
۲۵	۱-۷- حسد	
۲۵	۱-۸- عبرت	
۲۷	۱-۹- طلق توخالی	
۲۸	۱-۱۰- ثروت بی زحمت	
۲۸	۱-۱۱- توطئه و خیانت	
۳۰	۱-۱۲- کیفیت شرط است نه کمیت	
۳۱	۱-۱۳- نرمی بیش از حد	
۳۱	۱-۱۴- طمع	
۳۳	۱-۱۵- دنیا دائم بر یک قرار نیست	
۳۴	۱-۱۶- تواضع	
۳۴	۱-۱۷- بهانه تراشی	
۳۴	۱-۱۸- مهربانی بی پاداش	
۳۵	۲-۱۹- تلافی کار	
۳۵	۱-۲۰- ریا	
۳۶	۱-۲۱- غرور	
۳۸	۱-۲۲- تقلید	
۴۰	۱-۲۳- آینده نگری	

- ۴۱ ۱-۲۴ - تلافی کار نیک
- ۴۱ ۱-۲۵ - هر که بامش بیش برفش بیشتر
- ۴۲ ۱-۲۶ - از دست دادن فرصت
- ۴۳ ۱-۲۷ - سرنوشت
- ۴۳ ۱-۲۸ - کینه قدیمی
- ۴۴ ۱-۲۹ - انتقام به هر قیمتی
- ۴۴ ۱-۳۰ - اعتماد نابه جا
- ۴۵ ۱-۳۱ - جاه طلبی
- ۴۶ ۱-۳۲ - بزدلی
- ۴۶ ۱-۳۳ - قانع بودن
- ۴۶ ۱-۳۴ - آرزو
- ۴۷ ۱-۳۵ - نه راه پس نه راه پیش
- ۴۷ ۱-۳۶ - عیب جویی
- ۴۸ ۱-۳۷ - پیمان شکنی
- ۴۸ ۱-۳۸ - این به آن در
- ۴۹ ۱-۳۹ - کس نخارد پشت تو همچون سر انگشت تو
- ۴۹ ۱-۴۰ - نصیب
- ۵۰ ۱-۴۱ - احتیاط
- ۵۰ ۱-۴۲ - یک بام و دو هوا
- ۵۱ ۱-۴۳ - مأمور و معذور
- ۵۱ ۱-۴۴ - تصمیم از روی خشم
- ۵۲ ۱-۴۵ - ناچاری
- ۵۲ ۱-۴۶ - فراموش کردن دوستان
- ۵۳ ۱-۴۷ - هر کسی را بهر کاری ساختند
- ۵۴ ۱-۴۸ - کور کور را می جوید
- ۵۴ ۱-۴۹ - بی تفاوتی
- ۵۴ ۱-۵۰ - مشت نمونه خروار است
- ۵۵ ۱-۵۱ - راحت طلبی

فهرست مطالب

۵۶	۱-۵۲- نیکی به حساب دیگری
۵۶	۱-۵۳- خودکرده را چه درمان
۵۶	۱-۵۴- سلام گرگ بی طمع نیست
۵۷	۱-۵۵- نه خود خورد نه کس دهد
۵۷	۱-۵۶- تفاوت
۵۸	۱-۵۷- نخود هر آش
۵۸	۱-۵۸- عالم بی عمل
۵۹	۱-۵۹- انسان‌های ناچیز
۵۹	۱-۶۰- اندک پایدار بهتر است
۵۹	۱-۶۱- با سیاست بودن
۶۰	۱-۶۲- جواب دندان شکن
۶۱	۱-۶۳- ایراد گرفتن
۶۱	۱-۶۴- بی فکری
۶۲	۱-۶۵- از تو حرکت
۶۲	۱-۶۶- عقل
۶۳	۱-۶۷- مرکز فریبکاری
۶۳	۱-۶۸- تناسب
۶۳	۱-۶۹- امید
۶۴	۱-۷۰- گل بی عیب
۶۴	۱-۷۱- راستی
۶۵	۱-۷۲- دورویی
۶۶	۱-۷۳- عادت
۶۶	۱-۷۴- اگر بابا بیل زنی
۶۷	۱-۷۵- هر کسی و کاری دگر
۶۸	۱-۷۶- اتحاد
۶۸	۱-۷۷- ستیزه جویی
۶۹	۱-۷۸- کور خود و بینای مردم
۶۹	۱-۷۹- دوستان راستین

- ۷۰- ۸۰-۱- کارهای نابه‌جا
 ۷۱- ۸۱-۱- در توانگری پاک ماندن
 ۷۱- ۸۲-۱- چیزی بارش نیست
 ۷۲- ۸۳-۱- با یک گل بهار نمی‌شود
 ۷۲- ۸۴-۱- خوشبینی بیش از حد
 ۷۲- ۸۵-۱- سرنوشت
 ۷۳- ۸۶-۱- وقت شناسی
 ۷۳- ۸۷-۱- چوپان دروغگو
 ۷۴- ۸۸-۱- به زور نمی‌توان به دست آورد
 ۷۴- ۸۹-۱- کاردان
 ۷۵- ۹۰-۱- حقیقت
 ۷۵- ۹۱-۱- خودستایی
 ۷۵- ۹۲-۱- ناپارسایی
 ۷۶- ۹۳-۱- فتنه‌انگیزی
 ۷۶- ۹۴-۱- بد و بدتر
 ۷۷- ۹۵-۱- بی‌ارزش شمردن

فصل دوم: قابلیت‌های یک اثر دراماتیک

- ۸۱- ۲-۱- موضوع
 ۸۲- ۲-۲- شخص بازی
 ۸۳- ۲-۳- کشمکش
 ۸۴- ۲-۴- بحران و شدت یا نقطه اوج و نتیجه

فصل سوم:

- ۸۵- درون‌مایه‌های نمایشی موجود در داستان‌های ازوپ
 ۸۷- ۳-۱- صبر
 ۸۷- ۳-۲- سرشت بد
 ۸۸- ۳-۳- تسلی دادن ناتوان به خود

فهرست مطالب

۸۸	۳-۴- دورویی
۸۹	۳-۵- حد خود دانستن
۸۹	۳-۶- لاف زن
۹۰	۳-۷- حسد
۹۱	۳-۸- عبرت
۹۲	۳-۹- طبل تو خالی
۹۲	۳-۱۰- ثروت بی زحمت
۹۳	۳-۱۱- توطئه و خیانت
۹۴	۳-۱۲- کیفیت شرط است نه کمیت
۹۴	۳-۱۳- نرمی بیش از حد
۹۵	۳-۱۴- طمع
۹۶	۳-۱۵- دنیا دائم بر یک قرار نیست
۹۶	۳-۱۶- تواضع
۹۶	۳-۱۷- بهانه تراشی
۹۷	۳-۱۸- مهربانی بی پاداش
۹۷	۳-۱۹- تلافی کار
۹۷	۳-۲۰- ریا
۹۸	۳-۲۱- غرور
۹۹	۳-۲۲- تقلید
۱۰۰	۳-۲۳- آینده نگری
۱۰۰	۳-۲۴- تلافی کار نیک
۱۰۱	۳-۲۵- هر که بامش بیش برفش بیشتر
۱۰۲	۳-۲۶- از دست دادن فرصت
۱۰۲	۳-۲۷- سرنوشت
۱۰۲	۳-۲۸- کینه قدیمی
۱۰۳	۳-۲۹- انتقام به هر قیمتی
۱۰۳	۳-۳۰- اعتماد نابه جا
۱۰۳	۳-۳۱- جاه طلبی

۱۰۴	۳-۳۲- بزدلی
۱۰۴	۳-۳۳- قانع بودن
۱۰۵	۳-۳۴- آرزو
۱۰۵	۳-۳۵- نه راه پس نه راه پیش
۱۰۵	۳-۳۶- عیب جویی
۱۰۶	۳-۳۷- پیمان شکنی
۱۰۶	۳-۳۸- این به آن در
۱۰۶	۳-۳۹- کس نخارد پشت تو همچون سر انگشت تو
۱۰۷	۳-۴۰- نصیب
۱۰۷	۳-۴۱- احتیاط
۱۰۷	۳-۴۲- یک بام و دو هوا
۱۰۸	۳-۴۳- مأمور و معذور
۱۰۸	۳-۴۴- تصمیم از روی خشم
۱۰۹	۳-۴۵- ناچاری
۱۰۹	۳-۴۶- فراموش کردن دوستان
۱۰۹	۳-۴۷- هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند
۱۱۰	۳-۴۸- کور کور را می‌جوید
۱۱۰	۳-۴۹- بی تفاوتی
۱۱۰	۳-۵۰- مشت نمونه خروار است
۱۱۱	۳-۵۱- راحت طلبی
۱۱۱	۳-۵۲- نیکی به حساب دیگری
۱۱۲	۳-۵۳- خودکرده را چه درمان
۱۱۲	۳-۵۴- سلام گرگ بی طمع نیست
۱۱۲	۳-۵۵- نه خود خورد نه کسی دهد
۱۱۳	۳-۵۶- تفاوت
۱۱۳	۳-۵۷- نخود هر آش
۱۱۳	۳-۵۸- عالم بی عمل
۱۱۴	۳-۵۹- انسان‌های ناچیز

۱۱۴	۳-۶۰- اندک پایدار بهتر است
۱۱۴	۳-۶۱- با سیاست بودن
۱۱۵	۳-۶۲- جواب دندان شکن
۱۱۵	۳-۶۳- ایراد گرفتن
۱۱۵	۳-۶۴- بی فکری
۱۱۶	۳-۶۵- از تو حرکت
۱۱۶	۳-۶۶- عقل
۱۱۷	۳-۶۷- مرکز فریبکاری
۱۱۷	۳-۶۸- تناسب
۱۱۷	۳-۶۹- امید
۱۱۷	۳-۷۰- گل بی عیب
۱۱۸	۳-۷۱- راستی
۱۱۸	۳-۷۲- دورویی
۱۱۹	۳-۷۳- عادت
۱۱۹	۳-۷۴- اگر بابا بیل زنی...
۱۲۰	۳-۷۵- هر کسی و کاری دگر
۱۲۰	۳-۷۶- اتحاد
۱۲۰	۳-۷۷- ستیزه جویی
۱۲۱	۳-۷۸- کور خود و بینای مردم
۱۲۱	۳-۷۹- دوستان راستین
۱۲۱	۳-۸۰- کارهای نابه‌جا
۱۲۲	۳-۸۱- در توانگری پاک ماندن
۱۲۲	۳-۸۲- چیزی بارش نیست
۱۲۲	۳-۸۳- با یک گل بهار نمی‌شود
۱۲۳	۳-۸۴- خوش‌بینی بیش از حد
۱۲۳	۳-۸۵- سرنوشت
۱۲۳	۳-۸۶- وقت شناسی
۱۲۴	۳-۸۷- چوپان دروغگو

۱۲۴	۸۸-۳- به زور نمی‌توان به دست آورد
۱۲۴	۸۹-۳- کاردان
۱۲۵	۹۰-۳- حقیقت
۱۲۵	۹۱-۳- خودستایی
۱۲۵	۹۲-۳- ناپارسایی
۱۲۶	۹۳-۳- فتنه انگیزی
۱۲۶	۹۴-۳- بد و بدتر
۱۲۶	۹۵-۳- بی ارزش شمردن

فصل چهارم: سه نمایشنامه کوتاه برگرفته از داستان‌های

۱۲۷	ازوپ
۱۲۹	بوی خوش بد
۱۳۵	نمونه عفت
۱۴۵	شیر، شیر است!
۱۵۱	منابع و مآخذ

مقدمه

افسانه‌ها داستان‌هایی هستند که در میان عامه‌ی مردم به وجود می‌آیند و بیشتر روزمره هستند و برای کمک به حل مشکلات و راه مقابله با آن‌ها ساخته شده‌اند. کسانی که این افسانه‌ها را می‌سازند، در میان آن‌ها هستند و برای آن‌ها می‌نویسند تا به آن‌ها کمک کنند. یکی از این افراد شخصی به نام ازوپ است که نوشته‌هایی جهانی دارد. نوشته‌هایش بر دل تمام نسل‌ها می‌نشیند و می‌تواند در سختی‌ها راه‌گشای آن‌ها باشد.

در این کتاب تلاش شده تا این افسانه‌ها با آثار ایرانی مقایسه شوند و شاید هم مقایسه‌ای در کار نباشد؛ چون ممکن است او همان لقمان باشد و آثارش شرقی. برای همین است که ما به راحتی حرف‌هایش را درک می‌کنیم و می‌پذیریم.

این کتاب به جز این که این آثار را معرفی می‌کند، درون‌مایه‌های نمایشی آن‌ها را نیز نشان می‌دهد.

در این مبحث داستان‌های ازوپ بر اساس موضوع تقسیم‌بندی شده و نمونه‌های مشابه نوشته شده‌اند که لازم به ذکر است به خاطر کمبود منبع، بیشتر از کتاب امثال و حکم استفاده شده.

در قسمت بعدی، مقدمه‌ای در باب طریقه تحلیل یک اثر ذکر گردیده و خصوصیات یک اثر دراماتیک شرح داده شده است. در قسمت آخر، داستان‌های ازوپ با توجه به موضوعشان مورد بررسی قرار می‌گیرند تا مشخص شود که آیا توانایی یا قابلیت نمایشنامه شدن را دارند یا خیر.

زندگی نامه ازوپ

ازوپ نویسنده‌ای است که در نیمه‌ی دوم سده‌ی پنجم پیش از میلاد برای یونانیان شناخته شده بود و از او به عنوان نویسنده‌ی افسانه‌ها یاد می‌کردند. او در روزگار آمادسیس فرعون مصر (میانه‌ی سده‌ی ششم پیش از میلاد) می‌زیست و زادگاهش جزیره‌ی سامس بود. ازوپ برده‌ی شهروندی از اهالی سامس به نام ایدامن بود. علت مرگ ازوپ کاملاً مشخص نیست، ولی برخی می‌گویند به دلیل توهینی که به دلفیان کرده بود، برایش اتهامی جعل کردند و او را از صخره‌ها فروانداختند.

آن طور که آمده ازوپ چهره‌ای زشت و قدی کوتاه داشته، ولی برخورداری از توانایی خنداندن مردم و داستان‌سرایی همراه با حرکات عجیب و گفتار لکنت‌آمیز او را منحصر به فرد جلوه داده است. از سده‌ی پنجم به این طرف، او بسیار معروف شد و نویسندگان بسیاری از جمله: اریستوفانس، گزنفون، افلاطون، ارسطو و ... به نوشته‌هایش استناد می‌کردند. هنوز معلوم نیست که این افسانه‌ها را خود ازوپ نوشته یا به دست معاصرانش پرداخته شده‌اند. اما به هر صورت نام ازوپ چنان با این نوع از داستان‌ها آمیخته شده که هر افسانه‌ای را به او نسبت می‌دهند.

سال‌هاست که میان پژوهشگران این بحث وجود دارد که ازوپ و لقمان یکی هستند، زیرا تمام خصوصیتی که اروپاییان برای ازوپ نقل می‌کنند، همان‌هایی است که دانشمندان اسلامی درباره‌ی لقمان می‌گویند. در سوره‌ی لقمان از آیه ۱۱ الی ۱۹ خداوند از اعطای حکمت به لقمان یاد می‌کند و در فرهنگ اسلامی به او لقمان حکیم می‌گویند. با این حال می‌گویند که او پسر باعور بود و برخی گویند خواهرزاده‌ی ایوب؛ برخی نیز او را برادرزاده یا خواهرزاده‌ی ابراهیم خلیل می‌خوانند. عده‌ای هم عقیده دارند که در روزگار داوود ملک، زاده شده و تا روزگار یونس می‌زیسته که صد سال می‌شود. به عقیده‌ی عده‌ای او برده‌ای افریقایی بوده در میان بنی‌اسرائیل، و گروهی هم او را دوردگر می‌دانستند.

لقمان که او را نویسنده‌ی مثال‌ها می‌دانند باید همان شخصی باشد که اروپاییان او را ازوپ نامیده‌اند و تقریباً حاضر جوابی‌هایی که از لقمان نقل می‌کنند با حاضر جوابی‌های ازوپ یونانیان یکی است. به هر صورت داستان‌های آن‌ها شباهت‌های زیادی به هم دارد و هر دوی آن‌ها برده بوده‌اند.

افسانه‌های ازوپ یا همان لقمان مورد توجه مردم همه کشورها بوده و برخی از این داستان‌ها ریشه‌ای مشرقی دارد و به لقمان منسوب است. پس از دوره‌ی حیات ازوپ، بیشتر افسانه‌ها را به او نسبت داده‌اند.

پیش از دوران مسیحیت پذیرفتن یا آفریدن افسانه‌ها بخش پیوسته‌ای از آموزش ادبی و سخنوری بوده است. موضوع بیشتر افسانه‌های موجود، درباره‌ی جانوران است و شکی نمی‌توان کرد

که این نمونه‌ی اصلی و همواره عمومی‌ترین قالب افسانه است. تنها معدودی از آن‌ها درباره‌ی گیاهان یا عناصر طبیعی چون دریا، رودخانه‌ها، خورشید و باده‌ها می‌باشد. با این همه تعدادی افسانه نیز موجود است که بازیگران آن‌ها خدایان یا آدمیان هستند؛ معدودی از آن‌ها نیز مربوط به شناخت علت‌هاست مانند این که: لاک‌پشت چگونه لاک خود را به دست آورد؛ چرا مورچه دزد است؛ چرا بالا بلندان ساده لوحند و... یا بیشتر باقیمانده حکایاتی هستند که برخی گفتار لطیف و دلپذیر نیز به همراه دارند و عموماً قابلیت این را دارند که به منزله‌ی آویزه‌ی عبرتی پندآمیز قرار گیرند.

این نکته‌های کوتاه به زودی به عنوان ماده‌های اصلی قرار گرفتند و اگر داستانی هم چندان با مقصود مورد نظر سازگار نبوده، با این همه برخی از انواع نتایج اخلاقی به آن ضمیمه گشته است حتی اگر آن نتیجه در مقایسه، به داستانی کم اهمیت مربوط شده باشد.

از آنجا که افسانه‌ها از ادبیات عامیانه سرچشمه می‌گیرند، طبعاً عقاید و اندیشه‌های مردم معمولی را درباره‌ی راه و رسم و هدایت زندگی منعکس می‌کنند و با آرمان‌های اخلاقی و هدف کمال‌جویی که به وسیله‌ی فیلسوفان بزرگ اخلاق روزگار باستان عرضه شده، کمتر سر و کار دارد. فضایی که به وسیله‌ی افسانه‌سرایان سفارش می‌شود به طور عمده مربوط به فضایل اجتماعی است که زندگی را راحت‌تر می‌کند و به اعتبار و قیمت کسانی که می‌خواهند با وفاداری، بخشنده‌گی، میانه‌روی، توکل، هنرمندی و... زندگی کنند، می‌افزاید. گاهی درس‌هایی که افسانه‌ها می‌دهند، اخلاقی نیستند، ولی صرفاً درباره‌ی خردمندی که بر پایه‌ی تجربه و رفتار مردم و گاهی تباهی آن‌هاست، به صورت غیر اخلاقی پند می‌دهند:

چگونه بهترین چیزهای دشمن را از دستش بیرون بیاوریم، چگونه در برابر خداوند زر و زور چاپلوسی کنیم؛ چگونه از شوربختی و غلط‌کاری‌های مردم دیگر عبرت بگیریم و چگونه همه چیز را به حساب منفعت و برخورداری خود دگرگون سازیم.